خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

۱۹۰ تخلف زیست محیطی طی ۹ ماه

صدیقی- فرمانده یگان حفاظت اداره کل محیط زیست خراسان شمالی از کشف ۱۹۰ مورد تخلف زیست محیطی در استان طی ۹ ماه امسال خبر داد. «علیپور» گفت: طی ۹ماه امسال ۱۹۰ مورد تخلف زیست محیطی در استان کشف شد که میزان ضرر و زیان متعلق به آن ۳میلیارد و۱۷۳ میلیون ریال است. وی افزود: در این رابطه ۲۴۹ متخلف دستگیر شدند که از آنها ۲۳قبضه سلاح غیرمجازشکاری و جنگی و۴۲قبضه سلاح شکاری مجاز کشف و ضبط شد. وی خاطر نشان کرد: از این تعداد تخلف زیست محیطی صورت گرفته ۲۵فقره شکار غیرمجاز مربوط به چهارپایان،۱۵فقره شکار غیرمجاز مربوط به پرندگان خشکی وآبزی،۱۲فقره صید غیرمجاز مربوط به آبزیان،۱۴فقره زنده گیری غیر مجاز مربوط به پرندگان،۲فقره زنده گیری غیرمجاز مربوط به پستانداران ، ۶۷مورد تخلف غیرمجاز دام در مناطق تحت مدیریت،۱۳فقره تصرف وتخریب و قطع درختان و ۸فقره نیز مربوط به آتش سوزی عمدی و عامل انسانی بود.



در راهروی دادگاه خانواده

زندگی با همسر سئولیت ناپذیر

صدیقی- مانده ام با یک بچه مریض و مخارج درمانش، هزینه های زندگی را چطور تامین کنم. آخر کجای دنیا این گونه است که زن با داشتن همسر توانمند خرج زندگی و خانه را خودش بدهد و شوهرش مدام به دنبال تفریح خودش باشد. زن جوان در راهروی دادگاه خانواده ادامه می دهد: سال های زیادی تحمل کردم و بار سنگین زندگی را به دوش کشیدم اما دیگر شانه های نحیف ام تحمل این مسئولیت را ندارند و درمانده به قانون پناه آورده ام. از اوایل زندگی مشترک مان شوهرم بد اخلاق و خود مختار بود، انگار کسی جزء خودش برایش مهم نبود. نه از هزینه خورد و خوراک زندگی مان خبر می گرفت و نه از تفریحات و خوشگذرانی هایش دست بر می داشت. هر زمانی که می خواستم با او در مورد مسئولیتش در قبال زندگی صحبت کنم با کلی سر و صدا و تندخویی و حتی با دست بلند کردن روی من طفره می رفت. تا به خودم آمدم دیدم یک بچه بی یاور و مریض در بغلم است. اوایل فکر می کردم شوهرم با تولد فرزندمان از تنهایی بیرون رفتن و کار کردن فقط برای خودش دست بر می دارد اما این ها خوابی بیش نبود. نه تنها مخارج خانه بلکه تامین هزینه های درمان و بیمارستان فرزندمان بر دوش من افتاد. هر وقت که از همسرم می خواستم پولی برای خرید وسایل خانه و درمان فرزندمان به من بدهد در جوابم می گفت پولی ندارد. همسرم بیکار و معتاد نبود و مدام کار می کرد و درآمد خوبی هم داشت اما برای خرج خانه و هزینه های فرزندمان حاضر نمی شد حتی یک ریال بدهد. تمام حرفش هم این بود که چون من سر کار می روم باید خرج خودم و خانه را بدهم.هر چقدر قهر کردم و به خانه پدرم رفتم اما فایده ای نداشت، هر روز دعوا می کردیم، کسی حاضر نمی شد با ما رفت و آمد کند چون شوهرم حوصله مهمان را نداشت. وقتی دیدم با زندگی با یک مرد خودخواه جوانی ام و از همه مهمتر آینده بچه ام را تباه می کنم به دادگاه خانواده آمده ام تا شاید با کمک قانون بتوانم بر مشکلات زندگی بی سامانم فائق آیم و آن را سامان بدهم و اگر هم به نتیجه نرسیدم طلاقم را بگیرم و به دنبال زندگی ام بروم.

زندگی توفان زده

صدیقی

سن و سال زیادی ندارد اما مشکلات زندگی همچون آواری روی سرش فرو ریختند و او را زمین گیر کردند. کسب وکار نوپایش زیر بار سنگین رکود بازار دوام نیاورد و در هم شکست. حالا مرد جوان به خاطر شکایت طلبکارانش راهی زندان شده است. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با این زندانی می خوانید.

به چه علت در زندان به سر می بری؟

نزدیک به سه ماه است که به خاطر بدهکاری در حبس هستم.

چه شد که بدهی بالا آوردی؟ ماجرای زندانی شدنت را تعریف کن.

ورشکست شدم. کارگر ساختمانی بودم و یک روز در میان سر کار می رفتم و اوضاع سختی داشتم. این ماجرا ادامه داشت تا این که به پیشنهاد همسرم با قرض کردن و گرفتن وام یک سوپر مارکت راه انداختم. مغازه ام اجاره ای بود و هر ماه اجاره سنگینی پرداخت می کردم. اوایل اوضاع خوب بود و حداقل کرایه مغازه را در می آوردم اما بعد از مدتی کسب و کارم به هم ریخت. چاره ای نداشتم و باید به امید روزهای پر رونق کسب و کارم را ادامه می دادم . این ماجرا ادامه داشت تا این که کرایه خانه و مغازه مدام عقب افتاد و مجبور شدم اجناس را بفروشم و پول آن ها را بابت کرایه مغازه بدهم. بعد از مدتی به طور کامل ورشکست شدم و دیگر نتوانستم جواب طلبکارهایم را بدهم. من بابت خرید اجناس ۱۶میلیون تومان چک کشیده بودم و نتوانستم آن ها را پاس کنم در نتیجه با شکایت طلبکاران به زندان افتادم.علاوه بر این کرایه خانه ام چندین ماه است که عقب افتاده و صاحب خانه صدایش درآمده و او هم به جمع طلبکارها اضافه شده است. او فرصت کوتاهی برای تسویه حساب به همسرم داده و به او گفته که اگر در فرصت داده شده به طلب اش نرسد اسباب و وسایل خانه را داخل کوچه می ریزد چون دیگر صبر و تحمل اش تمام شده است. با این وضعیت نه کاری از دست من که زندانی هستم و نه کاری از دست همسرم بر می آید .بدجور تحت فشار هستم و نمی دانم عاقبت زندگی ام چه خواهد شد.

تا حالا اقدام به گرفتن رضایت از شاکیانت کرده ای و چرا از اطرافیانت کمک نگرفتی؟

بارها از طلبکارانم خواستم که رضایت بدهند تا از زندان آزاد شوم و بتوانم با کار کردن کم کم طلب شان را پرداخت کنم اما آن ها به هیچ وجه حاضر نشدند که رضایت بدهند و همه طلب شان را یک جا می خواهند و تا زمانی که به خواسته شان نرسند باید در زندان بمانم. البته آن ها هم حق دارند و هر کسی مشکل خاص خودش را دارد اما کاری از دست من در زندان بر نمی آید. اطرافیانم حال و روزشان بدتر از من است و هر کدام به زور از عهده مخارج زندگی شان بر می آیند. پدرم مثل خودم کارگر ساده و اجاره نشین است و با وجود سالیان دراز کارگری هنوز در یک اتاق زندگی می کند و توان اداره زندگی اش را ندارد چه برسد به این که دست من را بگیرد و کاری برایم انجام دهد.

همسرت با این وضعیت چطور کنار آمده است؟

همسرم به پای من سوخته و ساخته و چاره ای ندارد چون او هم مثل من کسی را ندارد که به او تکیه کند و از او کمک بخواهد . پدر و مادرش هر دو فوت کرده اند و جایی برای رفتن ندارد. علاوه بر عقب افتادن کرایه خانه، هزینه های آب، برق و گاز هم چندین ماه است که عقب افتاده است و مدام برای قطع آن ها اخطار می دهند و با ادامه این روند به زودی قطع خواهند شد و دست مان از زمین و زمان کوتاه خواهد شد. همسرم هم مثل من دیگر نایی ندارد و از همه چیز ناامید شده است و به زور با یارانه شکم خودش را سیر می کند و به زندگی توفان زده مان ادامه می دهد تا ببینیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.



تله صاحب مغازه برای سارق

سارقی که شبانه مشغول باز کردن قفل در مغازه بود، هیچ وقت تصور نمی کرد که صاحب مغازه از داخل نظاره گر او باشد و با چوب دستی به حسابش برسد. صاحب مغازه ای در گرمه مدعی شد: به دلیل دور بودن خانه ام اکثر شب ها داخل مغازه می خوابم. شب حادثه با صدایی از خواب پریدم. وقتی اطراف را نگاه کردم دیدم یک نفر پشت در مغازه برای رد گم کردن خودروهای عبوری ایستاده و مشغول باز کردن قفل در است. سریع چوب دستی را برداشتم و از داخل نظاره گرحرکاتش بودم. او فکرش را هم نمی کرد که کسی داخل مغازه منتظرش باشد. بعد از چند دقیقه سارق موفق شد قفل را باز کند اما قبل از این که وارد مغازه شود او را غافلگیر کردم و با چوب دستی به جانش افتادم ولی سارق مرا هل داد و با استفاده از تاریکی فرار کرد.

شکارچیان متخلف در تورقانون

صدیقی- دو شکارچی متخلف به دام قانون افتادند. رئیس اداره حفاظت محیط زیست راز و جرگلان افزود: محیط بانان طی گشت و کنترل مناطق آزادحیات‌وحش به دو نفر مشکوک شدند و آن ها را تعقیب کردند. «مرادیان» گفت: پس از تعقیب و گریز شکارچیان متخلف، ماموران موفق شدند آن ها را قبل از اقدام به شکار دستگیر و از متخلفان یک قبضه اسلحه تک لول به همراه مقداری فشنگ کشف و ضبط کنند.به گزارش خبرنگار ما شکار غیر مجاز توسط افراد متخلف طی چند ماه اخیر افزایش داشته است که علت این موضوع را می توان صدور بی رویه مجوز حمل سلاح شکاری برشمرد.

تلنگر

شگردی ۱۳ ساله برای سرکیسه کردن افراد

کلاهبرداری با ترفند «شما برنده شده اید»

شما برنده خوش شانس اپراتور ... هستید و ۶ میلیون تومان کمک هزینه سفر به کربلا به شما اعطا خواهد شد. این تماس تلفنی کافی است تا فرد کلاهبردار قلابش را بیندازد و با ترفندهای مختلف و مهندسی اجتماعی طعمه اش را پای عابر بانک بکشاند.

تلفن همراه، پیامک و عابربانک سه ضلع اصلی کلاهبرداری‌های تلفنی است. شیادان با سوءاستفاده از ناآگاهی برخی مردم خیلی راحت حساب‌های بانکی آنها را به بهانه‌های مختلف خالی می‌کنند. برنده خوش‌شانس مسابقات رادیویی و تلویزیونی، برنده شدن سفر زیارتی، برنده شدن در قرعه‌کشی بانک‌ها و موسسات مالی مواردی است که کلاهبرداران تلفنی برای فریب مال باختگان از آن ها استفاده می‌کنند.

این شیادان به قدری حرفه‌ای عمل می‌کنند که بعضی از اقشار مطلع و تحصیل کرده جامعه هم به راحتی فریب می خورند. کلاهبرداری‌های تلفنی با ورود تلفن همراه، گسترش عابربانک‌ها و سیستم‌های بانکداری الکترونیکی رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفته است و با آن که ۱۳ سال از شروع این شیوه کلاهبرداری می گذرد اما همچنان ادامه دارد به گونه ای که به گفته بازپرس شعبه سوم دادسرای بجنورد تنها او هفته ای۲ تا ۳ پرونده کلاهبرداری در این زمینه را بررسی می کند.

در بیشتر موارد این کلاهبرداران با جعل عنوانی فریبنده، از طریق تلفن همراه و پس از جلب اعتماد، با استفاده از شگردهای روحی و روانی خاصی با تحت‌تأثیر قراردادن افراد مورد نظر آنها را روانه عابربانک‌ها می‌کنند و پس از اجرای عملیاتی پیچیده از پشت تلفن حساب بانکی آن را خالی می‌کنند. تقریبا این شگرد همه کلاهبرداران تلفنی است.

پرونده کلاهبرداری از چهار بجنوردی با عنوان برنده شدن در قرعه کشی یک اپراتور تلفن همراه و دریافت کمک هزینه سفر به کربلا یکی از پرونده هایی است که هم اکنون روی میز بازپرس ویژه جرایم فضای مجازی دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد است. به گفته «عباسی» کلاهبرداران در این پرونده از شگردهای پیچیده ای برای کشاندن طعمه به پای عابربانک استفاده کرده اند.

وی افزود: کلاهبرداران در این شگرد از پیش شماره ۰۹۲۱ استفاده کرده اند تا طعمه آن ها در ابتدا گمان کند از تلفن ثابتی در تهران استفاده شده است. وی با بیان این که کلاهبرداران تلفنی در شگردهای جدید خود به صورت تیمی عمل می کنند اظهارکرد: استفاده از تلفن گویا از شگردهای جدید کلاهبرداران تلفنی است تا اعتماد مخاطب را جلب کنند. وی با اشاره به ۲ پرونده کلاهبرداری دیگر به مبلغ ۱۲۶ و ۵۰ میلیون تومانی از افراد تحصیل کرده می گوید: تیم های کلاهبرداری تلفنی به گونه ای مهندسی اجتماعی می کنند که حتی افراد تحصیل کرده و افرادی که در مورد کلاهبرداری تلفنی شنیده اند پای عابر بانک می روند.

وی تصریح می کند: نقطه مشترک تمام کلاهبرداری های تلفنی کشاندن طعمه پای عابر بانک است بنابراین هم استانی ها دقت کنند هرگاه چنین موضوعی برای آنان پیش آمد و فرد تماس گیرنده خواست که پای عابر بانک بروید به طور حتم او قصد کلاهبرداری دارد. وی از تشکیل تیمی برای پی گیری سریع این قبیل کلاهبرداری ها در استان خبر می دهد و بیان می کند: در صورتی که فردی بلافاصله متوجه شود که از او به این شگرد کلاهبرداری شده است این تیم سعی می کند با سرعت عمل مانع انتقال پول به حساب فرد کلاهبردار شود. وی همچنین خواستار ایجاد زیرساخت های بانکی برای کمک به پیشگیری از بروز این نوع کلاهبرداری با توجه بیشتر در ثبت مشخصات مراجعه کنندگان بانکی می شود.

معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادسرای بجنورد



